

دیپلماسی لوله‌های نفت در افغانستان

و پیروزیهای آسان آنها در تسخیر کشور همواره با شایعات و اظهار نظرهای عمومی ارزیابی شده است. گروه خبرنگاران رسانه‌های غربی در سفر خود به افغانستان سعی داشتند تحقیقاتی در زمینه چگونگی این موفقیتها و منشاء مرموز طالبان و منابعی که از آنها حمایت می‌کنند انجام دهند که با وجود بازداشت شدنشان، توانستند موفقیت‌هایی در این زمینه به دست آورند. در این تحقیقات گفته

شده که تاکتیکهای نظامی، بنیه و کارایی نیروها و برخورداری از دانشهای پیچیده رزمی نشان می‌دهد که فاجعه افغانستان بوسیله کشور یا کشورهای خارجی طراحی و برنامه‌ریزی شده است و این خارجیها هستند که همه منابع مالی و تجهیزات نظامی طالبان را تأمین می‌کنند. بررسی‌های ژورنالیستها می‌گوید ماجرای افغانستان با یک اتحاد استراتژیک میان رهبر یک چشم مذهبی طالبان و یک متهم عمده به

تروریسم بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند که با رقابت برای کسب امتیاز

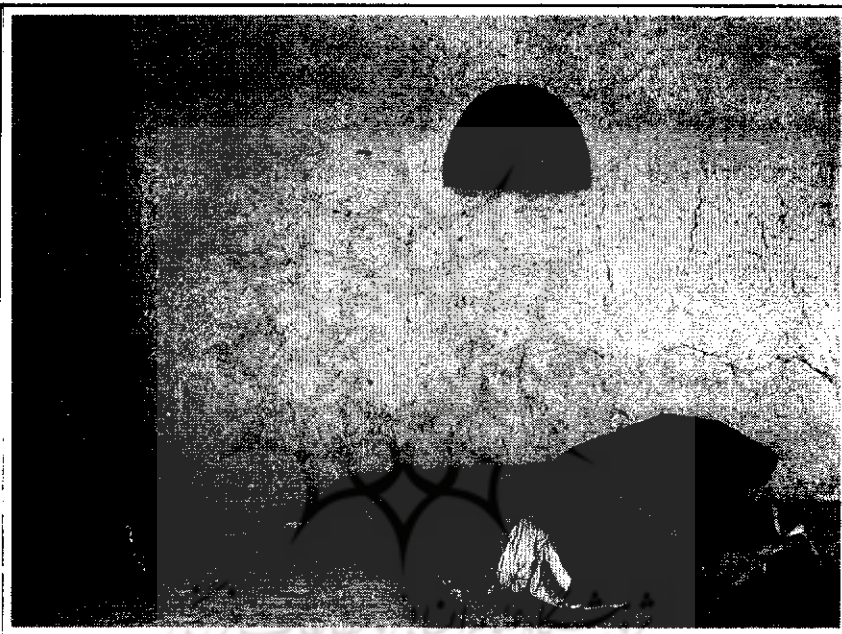
لوله‌کشی نفت از آسیای میانه از طریق خاک افغانستان به جنوب آسیا نیز بی‌ارتباط نیست. گرچه هنوز شواهدی از ارتباط مستقیم بین طالبان و سرویسهای جاسوسی آمریکا در دست نیست ولی گروه خبرنگاران اعزامی به افغانستان از حمایت همه جانبه ایالات متحده از طالبان و از طریق دوستان نزدیک آمریکا در منطقه یعنی پاکستان و عربستان سعودی اطمینان حاصل کرده‌اند. در این زمینه هیچیک از مقامات طالبان و رهبر مذهبی آنها ملا محمد عمر توضیحی به

نیروهای طالبان برای تسخیر مزار شریف آخرین سنگر مخالفان مسلح فشار خود را بر این شهر تشدید کردند. کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل از طرفین مخاصمه درخواست کرد برای تخلیه مددکاران بین‌المللی و هزاران پناهنده تاجیکی که در منطقه نبرد به دام افتاده‌اند اعلام آتش بس کنند ولی رهبران طالبان به این درخواست اعتنایی نکردند و به حملات بی‌امان و خونین خود به مزار

سلطان امیر، پوشیده در ردائی سفید، با محاسنی جو گندمی مردی است از قبیله‌ای با قدمتی کهن. در افغانستان، سرزمینی که او دانش خود را در آن به کار گرفته است تقریباً همه می‌شناسندش. دانش و تخصص‌های او بیشتر به افسانه می‌ماند: یک افسر اطلاعاتی سابق پاکستان، متبحر در شناخت سلاح، سازماندهی بی‌نظیر با قدرت نفوذ فراوان در افراد. او

آموزشهای نظامی خود را در پایگاه کلاه سبزه‌های «فورت براگ» در کارولینای شمالی آمریکا دیده است. پیروانش او را «امام» می‌نامند.

این کُنیه پانزده سال پیش در یک منطقه مرزی جنگی، جایی که مجاهدین جوان افغانی را برای مقاومت در برابر ارتش اشغالگر شوروی آموزش می‌داد به او داده شد. در آن زمان هنوز سیل دلارهای سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) به افغانستان سرازیر نشده بود. شاگردانش او را



دخالت‌های خانمان برانداز بیگانگان در افغانستان مانع است مردم ستمدیده و مسلمان این کشور لحظه‌ای آرامش داشته باشند.

شریف ادامه دادند تا با تسخیر این شهر اقتدار خود را بر همه خاک و مردم ستمدیده افغانستان حاکم کنند.

در این حال در کابل پلیس مذهبی طالبان نمایندگان کمیسیون اروپا و هیجده تن دیگر از مددکاران بین‌المللی و نمایندگان وسائل ارتباط جمعی غربی را در یک بیمارستان زنان بازداشت کرد تا از انعکاس فجایی که در این کشور می‌گذرد در جهان خارج جلوگیری کند.

ظهور و اوج‌گیری سریع طالبان در افغانستان

چون زعیمی مذهبی می‌پرستیدند و او از این پرستش به خود می‌بالید. برخی از جنگجویان سلطان امیر بعدها هسته‌های اولیه طالبان، نیروی مسلحی را که سه سال پیش ناگهان در صحنه نبردهای خونین افغانستان ظاهر شد و امروز کنترل افغانستان را در دست دارد تشکیل دادند. سلطان امیر امروز نیز به طور پنهانی مشاور نیروهای طالبان و مغز متفکر نظامی آنها است. شاگردان امیر امروز نیز درس‌هایی را که در گذشته از او آموخته‌اند به کار می‌گیرند. ماه گذشته

هیچ منبعی نمی‌دهند.

ملا عمر ظهور می‌کند

ریشه‌ها و سوابق طالبان به سالهای اولیه دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد؛ در آن سالها اکثر فرماندهان امروزی طالبان زیر نظر افسر اطلاعاتی پاکستان (امام سلطان امیر) در مدارس سنتی مذهبی آموزشهای مذهبی و نظامی می‌دیدند. این جوانان را در آن سالها طلبه‌ها یا طالبان می‌نامیدند. عده‌ای از این طلبه‌ها جذب نیروهای گروه‌های مختلف مجاهدین شدند که با ارتش اشغالگر شوروی می‌جنگیدند، گروه‌های دیگری نیز خود اقدام به تشکیل واحدهای نظامی کردند که از سوی رهبران مذهبی فرماندهی می‌شدند. این تشکلهای بیشتر در قالبهای سنتی و قبیله‌ای بود. در همین سالها بود که سازمان ضد جاسوسی آمریکا (سیا) صدها میلیون دلار در افغانستان هزینه کرد تا این تشکلهای را به منظور مقاومت در برابر نیروهای شوروی به سلاح و آموزشهای نظامی مجهز کند و در این کمکها میان گروه‌های مذهبی و غیر مذهبی تفاوتی قائل نمی‌شد. با ادامه جنگ عربستان سعودی نیز اقدام به ارسال پولهای هنگفت به افغانستان به منظور تأسیس مدارس جدید آموزش قرآن در اردوگاههای آوارگان افغانی کرد، در سال ۱۹۹۲ تعداد طلبه‌هایی که در این مدارس آموزشهای نظامی نیز می‌دیدند به هزاران نفر بالغ شد. پس از سقوط رژیم تحت حمایت شوروی در کابل و تخلیه افغانستان از نیروهای بیگانه، این طلبه‌ها مدارس و جبهه‌ها را ترک کردند و به روستاها و خانه‌های خود رفتند ولی این آمادگی ذهنی در آنها ایجاد شده بود که هرگاه به آنها نیاز باشد به جبهه‌های جنگ بشتابند.

از ۱۹۸۹ که نیروهای شوروی خاک افغانستان را ترک کردند تا سال ۱۹۹۴ که فاجعه افغانستان می‌رفت تا وارد مراحل تازه شود سیل کمکهای آمریکا به اسلام‌آباد سرازیر شد؛ زیرا پاکستان برای طرحهای آینده در منطقه نیاز به منابع مالی داشت. بی‌ظنیر بوتو نخست وزیر وقت پاکستان طرحهایی را برای بازگشائی جاده ابریشم که بخشی از آن از آسیای میانه آغاز می‌شد، و از افغانستان می‌گذشت و به کراچی منتهی می‌شد

تحت مطالعه و بررسی داشت و از این موضوع که بسیاری از جاده‌های این مسیر از میان سرزمینهای قبایلی می‌گذرد که تابع هیچ حکومتی نیستند هراسی به خود راه نمی‌داد. روز ۲۹ اکتبر سال ۱۹۹۴ یک کاروان مرکب از سی کامیون حامل دارو و غذا از پاکستان و از طریق جنوب شهر قندهار رهسپار ترکمنستان بود. این کاروان به وسیله سلطان امیر (امام) افسر اطلاعاتی پاکستان رهبری می‌شد که مورد هجوم قبایل افغانی قرار گرفت. رئیس جنگجویان یک قبیله افغانی به نام نیاز وانید کاروان را تصاحب و سلطان امیر را بشدت مضروب کرد. یک گروه از شاگردان قدیمی امیر به محض اطلاع از ماجرائی که بر سر مرادشان رفته بود برای نجات او شتافتند، قبیله مهاجم را از میدان به در کردند و پاکستانیها را نجات دادند. طعم این پیروزی چنان به اشتیاقشان آورد و نیز گستاخیهایی قبایل آنقدر خسته‌شان کرده بود که برای تسخیر قندهار به این شهر هجوم بردند. رهبر این گروه مردی یک چشم به نام ملا

عمر بود. پیروزی برق آسای عمر در این عملیات افغانها را به هیجان آورد و توجه آنها را که از هرج و مرج طولانی حاکم بر کشور به ستوه آمده بودند نسبت به این گروه که تصور می‌کردند ناجی افغانستان و برقرارکنندگان امنیت در کشور هستند جلب کرد.

گروه ملا عمر به سوی قندهار به حرکت درآمد. پاکستان نیز که بدنبال فرصت برای نفوذ بیشتر در کشور مصیبت دیده و بی‌قانون افغانستان بود یک کانال کمک به جنگجویان ملا عمر گشود و از این طریق تعدادی راننده ورزیده تانک، خلبان و دورایزن نظامی به کمک طالبان گسیل داشت که

یکی از این رایزنان همان سلطان امیر افسر اطلاعاتی پاکستان بود که در پوشش یک دیپلمات پاکستانی به کنسولگری پاکستان در هرات اعزام شد. ناظرانی که از خارج اوضاع افغانستان را زیر نظر داشتند بی‌اطلاع از کمکهای همه جانبه پاکستان و حضور نامرئی ماموران سازمان ضد جاسوسی آمریکا در صحنه تحولات افغانستان پیروزیهای سریع طالبان را به یک معجزه شبیه می‌دیدند.

دیری نپائید که موفقیتها و پیروزیهای سریع و بی‌در پی طالبان این گروه را مغرور و مسموم کرد. جنگجویان طالبان سرناسازگاری با رهبری جنبش را به وسیله پاکستان گذاشتند، در ماه مارس ۱۹۹۵ به رغم هشدارهای مقامات امنیتی پاکستان طالبان تصمیم به اشغال کابل گرفت. تهاجم به کابل با توحش کامل همراه بود. در این یورش آنها تنها موفق شدند نیروهای کلیدین حکمتیار را که افراد او نیز به سلاح و تجهیزات پاکستانی مسلح

مژده به علاقمندان شماره‌های قبلی

گزارش

**تعداد ۵ دوره ماهنامه
گزارش صحافی شده با جلد
زرکوب آماده توزیع می‌باشد.**

مقتاضیان با پرداخت ۴۰ هزار ریال برای هر دوره، در وجه ماهنامه گزارش به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات، کد ۷۹۰ تهران و ارسال قبض آن همراه با دوره‌های درخواستی و نشانی کامل خود دوره‌ها را دریافت نمایند.

توجه دوره‌های موجود:

دوره سوم، چهارم، پنجم و ششم

بودند به عقب برانند و مدافعان کابل به روی افراد طالبان آتش گشودند و قبل از آنکه آنها موفق به فرار شوند چهار صد تن از طالبان را کشتند. طالبان از این شکست به سختی کمر راست کرد ولی بلافاصله عربستان سعودی و امارات متحد عربی سیل کمکهای نظامی جدید مناسب برای جنگ در صحرا و کوهستان را برای نیروهای ملا عمر ارسال کردند. ریاض به صورت منبع اصلی تأمین نیازهای مالی طالبان درآمد که مهره اصلی در ارسال این کمکها شخصی بود بنام ترکی بن فیصل رئیس سازمان امنیت سعودی. یک مقام اطلاعاتی غربی میگوید رابطه طالبان با سعودی به رابطه ارباب و رعیت میمانست. اگر طالبان هر چه را عربستان سعودی میخواست انجام میداد، ریاض سر کیسه را شل می کرد و هرگاه مایل نبود از دادن کمک خودداری می کرد. مقامات طالبان دائماً در ریاض به سر می بردند ولی در اواسط ۱۹۹۶ این رابطه تا حدودی متزلزل شد.

در ۲۷ سپتامبر همان سال کابل بدست نیروهای طالبان فتح شد که اعتماد و کمکهای سعودی را مجدداً به آنها اعاده کرد. پاره‌ای از مجاهدان افغانی نزدیک به طالبان می‌گویند هنگام ورود نیروهای طالبان به کابل عثمان بن لادن که یک ناسیونالیست تندرو سعودی است دیده شده است. این شخص از سوی امریکائیها متهم به چندین فقره اعمال تروریستی، از جمله انفجار مقر نظامیان امریکائی در خبار عربستان شده است. افغانها و منابع غربی می‌گویند هدیه فتح کابل از سوی بن لادن به ملا عمر سه میلیون دلار بود. امروز بن لادن که گفته می‌شود سیصد میلیون دلار از ثروت خانوادگی را در اختیار دارد با یکصد و شصت تن از همراهان و طرفدارانش در قندهار به سر می‌برد و یکی از متحدان عمده ملا عمر به شمار می‌آید. فرماندهان پیشین مجاهدان افغانی می‌گویند کمکهای سعودی باعث شد که طالبان به سلاحهای دست یابند که به آنها امکان داد موفق به در هم شکستن مقاومت مدافعان کابل شوند.

جانبداری از توحش!

به نظر می‌رسد تا قبل از سقوط کابل حکومت آمریکا چندان توجهی به رشد سریع طالبان نداشت، پاره‌ای از مقامات میانی وزارت امور خارجه آمریکا به رغم روش‌هایی غیرانسانی

که طالبان در قبال زنان در پیش گرفته بودند جنبش آنها را حرکتی در جهت استقرار نظم و قانون قلمداد می‌کردند. پاره‌ای مقامات آمریکائی نیز از نقش گروههای طالبان در تجارت منطقه‌ای تریاک ابراز نگرانی می‌کردند. به گفته مقامات بلندپایه سازمانهای مبارزه با مواد مخدر غربی و افغانیهای نزدیک به طالبان، تریاک همواره منبعی بسیار با اهمیت در تأمین نیازهای مالی طالبان بوده است. طالبان یا از طریق اخذ مالیات از خشخاش‌کاران و یا مشارکت با تجار و قاچاقچیان بزرگ تریاک سودهای کلان به جیب می‌زنند. امروز دو مشخصه بزرگ طالبان (یکی دست داشتن در کار مواد مخدر و حمل و نقل آن و دیگری مردسالاری وحشیانه این گروه) در منطقه و شاید در جهان مشابهی ندارد. ایالات متحده آمریکا تا این لحظه از شناسائی رسمی طالبان به عنوان دولت حاکم بر افغانستان خودداری کرده است؛ با این حال رابطهای چند، و از جمله رابین رافل دستیار معاون وزارت امور خارجه و عده‌ای از بازرگانان امریکائی در محکم کردن روابط آمریکا و

طالبان فعالند. شرکت امریکائی یونوکال در نظر دارد طی یک پروژه چهار و نیم میلیارد دلاری کار لوله‌کشی نفت و گاز را که از ترکمنستان آغاز و با گذشتن از خاک افغانستان به پاکستان منتهی می‌شود آغاز کند. ماه گذشته مقامات این شرکت اعلام کردند آموزش کادر محلی را برای کار در این پروژه آغاز کرده‌اند. شرکت هریداس آرژانتین نیز به دنبال همین پروژه است. هم امریکائیها و هم آرژانتینی‌ها شرکتهای عربستان سعودی را به منظور نفوذ بر افغانها و گرفتن امتیازهای بیشتر دعوت به مشارکت کرده‌اند و نیز از دیپلماتها و احتمالاً جاسوسان امریکائی در پوشش «مشاور» همکاری خواسته‌اند. به این ترتیب

مشاهده می‌شود که سیاست آمریکا در افغانستان پس از پشت سر گذاشتن سالهای پرهزینه بر دیپلماسی «لوله‌های نفت» استوار می‌شود و زمان آن فرا رسیده است که پس از آن همه جانبداری از توحش و خونریزی و تأیید رواداشتن ستم بر زنان این کشور مصیبت دیده بهره‌برداری را آغاز کند. برای کنترل اوضاع و پیش رفتن مقاصد آمریکا مأموران و مقامات اطلاعاتی در همه جا مخفیانه حضور دارند. یک مأمور سازمان ضد جاسوسی آمریکا (سیا) می‌گوید: «اوضاع در افغانستان بر وفق مراد پیش می‌رود و ما همه نوع کمکهای را که در گذشته از عربستان سعودی و پاکستان هم دریغ نداشته‌ایم، متوجه افغانستان کرده‌ایم.»

امریکا و متحدان منطقه‌ای آن تا این لحظه بازی را در افغانستان برده‌اند ولی هیچکس دور بعدی بازی را قابل پیش‌بینی نمی‌داند.

مأخذ: مجله نیوزویک - ۱۳ اکتبر ۱۹۹۷

برگردان از بخش ترجمه «گزارش»



دورال

شرکت صنایع آلومینیوم، تولیدکننده:

- در وپنجره، پارتیشن و نمای آلومینیومی دورال
- پروفیل‌های صنعتی و غیر صنعتی دورال
- سقف کاذب و اکوستیک آلومینیومی دورال (دامپا)

آدرس: تهران - خیابان سید جمال الدین شماره ۹۲

تلفن: ۸۷۱۷۹۶۴ - ۸۷۱۹۰۳۲ فاکس: ۸۷۱۹۶۰۰

دروپنجره و پروفیل آلومینیومی دورال با مهر استاندارد

